

این حقیقتی مسلم است که بنیان هیچ حکومتی دگرگون نمی‌شود، مگر آن‌گاه که میان اعضای طبقه حاکمه جدایی افتد.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار سه صد و شصت و هشت - سه شنبه ۱۱ سنبله / شهریور ۱۳۹۳ - ۷ ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۵ - ۲ سپتمبر ۲۰۱۴

نماینده غیرنظامی ناتو در افغانستان:

بی حوصله شده‌ایم!



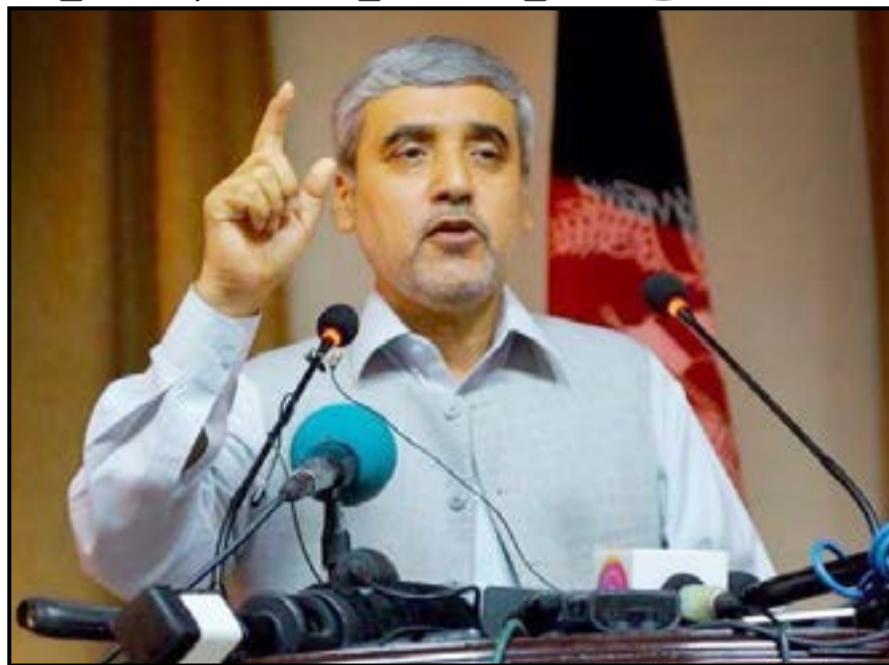
نماینده غیرنظامی سازمان ناتو در افغانستان گفته که اعضای این سازمان به دلیل به درازا کشیدن بحران انتخاباتی در این کشور «بی حوصله» شده‌اند.
موريس یوخیمس در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی گفت از این که این بحران باعث به تاخیر افتادن اعلام نام رئیس جمهوری بعدی شده و افغانستان نمی‌تواند رئیس جمهوری جدید به اجلاس سران ناتو به ولز بفرستد، «جای تأسف و یاس» است.
او افزود: «امضای موافقتنامه [امنیتی بین افغانستان و آمریکا] و دیگر مسایل ضروری به تعویق افتاده و این هم تأسف بار است. چون فکر می‌کنم هم مردم افغانستان و هم اعضای ناتو که باید برای مأموریت آموزش [نیروهای امنیتی افغانستان] برنامه‌ریزی کنند، دارند بی حوصله می‌شوند....»

ادامه صفحه ۶

هشدار تیم اصلاحات و همگرایی:

خواست‌های ما پذیرفته نشود

پروسه را برای همیشه ترک خواهیم کرد



استاد عطا محمد نور:
کمیسیون انتخابات به عنوان منتهم به تقلب‌کاری در انتخابات، عامل تقنین آرا گماشته شد که این امر مبین آن است که دزد را داور برگزیده‌اند. در چنین حالت کدام منتهم حاضر می‌شود که در اثبات جرم خود کمک کند؟

د پوځ بیا واک ته راگرځېدل د هند او افغانستان لپاره خطرناک دی



افغانستان له دریو خواوو ناوړه اغېز کوي، چې لومړی په سیاسي برخه کې یې اغېز خورا بد دی، ځکه د دې کړکېچ په پایله کې ملکي حکومت کمزوری کېږي او د په افغانستان کې ورسره د ثبات راوستلو خوشبیني هم له منځه ځي.
دی وايي، امکان لري چې په پاکستان کې شته بې ثباتي افغانستان ته هم راشي او افغانستان ورسره له پخوا هم ډېر بې ثباته او ناامنه شي.
نوموړی زیاتوي، چې دویم اغېز یې له اقتصادي اړخه دی، ځکه افغانستان د پاکستان تولیداتو او ترانزیت ته سخته اړتیا لري، چې د گازو، د بیو لورېدو یو لامل هم د پاکستان پیل شوی کړکېچ دی: ((سون توکي به ورسره گران شي، د خوړو او نورو توکيو په برخه کې هم ناوړه اغېز کوي. زموږ صادرات چې د مېوو په برخه کې لکه انار، انگور او نور موسمي مېوې دا مهال د پاکستان له لارې یا خپله پاکستان ته صادېږي، چې په دې کړکېچ سره به دا صادرات هم زیانمن شي.))

په داسې حال کې چې په دې وروستیو کې په پاکستان کې سیاسي کړکېچونه مخ په زیاتېدو او په تاوتریخوالي اوښتونکي دي، سیاسي شننونکي وايي، چې دغه کړکېچ پر افغانستان بد اغېز کوي.
هغوی وايي، که ملکي حکومت کمزوری کېږي، پوځ ته په افغانستان کې د لاسوهنې ډېر صلاحیتونه په واک کې ورکول کېږي.
د افغانستان د سیمه ییزو مطالعاتو د مرکز مشر عبدالغفور لېوال ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې په پاکستان کې وروستی راپورته شوي کړکېچونه به د افغانستان پر وضعیت ناوړه اغېز وکړي.
هغه وايي، د دې بې ثباتۍ په پایله کې هغه بنسټونه کمزوري کېږي، چې د افغانستان او سیمې د ثبات لپاره مهم گڼل کېږي او یا ترې گټه کېږي، چې په بدل کې یې پوځ، استخبارات او هغه ډلې پیاوړې کېږي، چې د روانې بې ثباتۍ برخې دي.
ښاغلی لېوال زیاتوي، چې د پاکستان روان کړکېچ پر

وزارت خارجه افغانستان:

در کنفرانس ناتو خواهان افزایش کمک‌های مالی می‌شویم



قرار است حکومت افغانستان در کنفرانس ناتو که در ولز بریتانیا برگزار می‌شود، خواستار افزایش کمک‌های مالی به نیروهای امنیتی گردد. این کشور در حال حاضر به دلیل تاخیر در اعلام نتایج انتخابات در وضعیت حساسی قرار دارد.
در این کنفرانس، کشورهای عضو ناتو تعهدشان در مورد ادامه حمایت مالی و آموزش به نیروهای امنیتی افغانستان را تجدید می‌کنند. اعضای ناتو در کنفرانس شیکاگو که در سال ۲۰۱۲ برگزار شد، سالانه چهار میلیارد دلار کمک مالی برای حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان پیشنهاد کردند.
اما وزارت خارجه افغانستان می‌گوید حالا گفت‌وگوها با کشورهای حامی برسر افزایش این کمک‌ها ادامه دارد.
شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان روز دوشنبه ۱۰ سنبله ۱۳۹۳ در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «یکی از مواردی که مدنظر است

ادامه صفحه ۶

بحران انتخابات زنده‌گی مردم را

به شدت مختل کرده است



بحران سیاسی که به دنبال برگزاری انتخابات افغانستان به وجود آمده است، زنده‌گی مردم به‌خصوص اوضاع اقتصادی و امنیتی را مختل کرده و به شدت تحت تاثیر قرار داده است.
به گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره، افزایش قیمت‌ها و توقف اجرای بسیاری از طرح‌ها و کساد بازار نشان دهنده شکننده‌گی اوضاع شهروندان است.
ت.....

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها

پرسش‌ها و پاسخ‌های مهم انتخابات جنجالی ۹۳



متافیزیک ترافیک

در باب مارشال برمن، فیلسوفی که به هر جا سرک کشید



توطیه و خیانت مقاله‌یی از تیموتی بل درباره مک کارتیسم و نقد ادبی



هشدار از فروری‌منار جام



ادامه صفحه ۶

پاینده محمد رهیاب

پرسش‌ها و پاسخ‌های مهم انتخابات جنجالی ۹۳



سخن ماندگار

بحران را مهار کنید!

ضرب‌الاجل اصلاحات و هم‌گرایی تا پایان امروز، احتمالاً سرنوشت انتخابات را تعیین می‌کند. پس از چاشت دیروز، سخن‌گوی این تیم انتخاباتی، در حضور رسانه‌ها گفت که «تا فردا مهلت تعیین می‌کنیم که اگر به خواست‌های معقول و منطقی ما توجه نشود و روند تفتیش به‌گونه واقعی و شفاف صورت نگیرد، ما روند مذاکرات سیاسی برای تشکیل دولت وحدت ملی و روند تفتیش آرا را به‌طور مطلق ترک می‌کنیم.»

به نظر می‌رسد که این بار هشدار این تیم جدی است و در صورتی که حکومت و کمیسیون‌ها به خواست‌های اصلاحات و هم‌گرایی توجه نکنند، مذاکرات تشکیل دولت وحدت ملی برهم می‌خورد. اما ماجرا از آن ناشی می‌شود که کمیسیون‌های انتخاباتی و حکومت، سعی در منحرف کردن اذهان عامه کردند؛ طوری که در طول بازشماری آرا و پروسه شفاف‌سازی هیچ‌یک از معیارهای توافق‌شده را در نظر نگرفتند و در نتیجه، هیچ‌یک از سایت‌های خیالی و تقلبی از دور خارج نشد. تیم اصلاحات و هم‌گرایی با آن‌که بارها این اشکال را خاطر نشان ساخته بود، اما کمتر به آن توجه صورت گرفت.

اکنون به‌کلی دانسته می‌شود که دست دخیل و هدف‌مند کمیسیون‌های انتخاباتی، رییس دولت و تیم تحول و تداوم، هر دو دور انتخابات را باطل کرده است. راه سوم - تشکیل دولت وحدت ملی - نیز با نیرنگ و خدعه این مثلث اکنون در شرف باطل شدن قرار دارد. بنابراین، گمان نمی‌رود که این نیروی سه‌گانه از برنامه و هدفی که در نظر دارد عقب بکشد؛ زیرا گروهی که هدفش به دست آوردن قدرت به هر قیمتی باشد و نیز تمام راه‌های مشروع و اصولی این به‌دست‌آوری را ویران کرده باشد، بدیهی‌ست که تا آخرین مجال تلاش خواهد کرد که به مقصود برسد. چنان‌که اکنون دیده می‌شود، حتا گروهک‌های بدنامی چون حزب اسلامی حکمتیار نیز هم‌نوایی خود را با این نیروی سه‌گانه (حکومت، کمیسیون‌ها و تیم تحول و تداوم) اعلام کرده‌اند و این نکته مؤید آن است که چنین گروهی تا سرحد جنگ هم آماده‌گی لازم را گرفته است. و اما تأسف بسیار در این‌جاست که جامعه جهانی به دهل گروه‌های تقلب‌کار می‌رقصد. لابی‌گری‌های آقای اشرف‌غنی احمدزی و حکومت چنان گوش جامعه جهانی را پُر کرده که بسیار دشوار است حرف حق شنیده شود. از این‌رو و در نتیجه، به‌صراحت می‌توان گفت که چنین زورگویی و تزویر، بی‌شک محل ارجاع تیم اصلاحات و هم‌گرایی را، همان مردم خواهد ساخت.

دست‌کم در این مرحله توقع از جامعه جهانی این بود که محصول سیزده سال کار مردم افغانستان و خودشان را به همین آسانی به مخاطره نیاندازد. اگر آقای کرزی به‌دلیل منفعت خودش شرایط را بحرانی‌تر می‌سازد و اگر کمیسیون‌ها مأموریت دارند و اگر تیم تحول و تداوم در پی رسیدن به قدرت از طُرُق غیرمشروع است، حداقل جامعه جهانی که هیچ‌یک مجبوریتی به هم‌سوئی با متقلبان و بحران‌آفرینان ندارد. مردم افغانستان طرف دیگر قضیه اند؛ مردمی که با رای و انتخاب‌شان بازی شده است. بنابراین، به‌ساده‌گی احتمال می‌رود که این مردم برای رسیدن به حق‌شان قیام کنند و خدای نخواستگه کشور به ماجراهای دیگر دچار شود.

افغانستان تنها مال آقای کرزی و تیم تحول و تداوم نیست که به همین ساده‌گی آن را بر لبه پرتگاه قرار داده اند. در این‌جا مردمی نیز وجود دارند که عملاً از وضعیت خسته شده‌اند و خواهان تعیین سرنوشت خویش‌اند. جامعه جهانی مکلفیت دارد که طرف مردم افغانستان را بگیرد و کشور را از این بحران و سردرگمی نجات دهد.

اگر جامعه جهانی نیز در حد تماشاچی باقی بماند و نیروی سه‌گانه نیز به بحران دامن بزند، بی‌تردید که هشدار تیم اصلاحات و هم‌گرایی عملی خواهد شد، آن‌گاه است که جبران آن به این ساده‌گی ممکن نیست و سال‌ها زمان خواهد برد تا آرامش و امنیت دوباره برقرار گردد.

۱- تعداد رأی دهنده‌گان در دور دوم انتخابات، نسبت به دور اول بیشتر است یا کمتر؟ اگر بیشتر است به کدام دلیل؟
 ۲- چه‌گونه ممکن است که سه ولایت هلمند، زابل و ارزگان با داشتن ۱۳۶۵۰۰۰ نفر جمعیت ۱۳۶۷۱۱ رأی، و سه ولایت پکتیا، پکتیکا و خوست با داشتن ۱۳۵۲۶۰۰ نفر جمعیت، ۱۱۳۹۱۲۷ رأی داشته باشند.
 ۳- آیا امکان دارد که ۳۰ درصد مردم ولایات امن مانند بلخ، هرات و بامیان، و بیش از ۱۰۰ درصد مردم ولایات نامند پکتیا، پکتیکا و خوست در انتخابات شرکت کرده باشند؟
 ۴- آیا تقلب سازمان‌یافته توسط کمیسیون انتخابات که صندوق‌ها را ماهرانه از آرای جعلی شبیه به اصلی پُر کرده است، با خطا یا اشتباه یک‌عده مردم بی‌سواد اطرفی که ورق رأی‌دهی را خوب نشانی نکرده‌اند، قابل مقایسه است؟
 ۵- انتخابات ۲۴ جوزا، دور دوم بود یا دور اول؟ اگر دور دوم بود، پس ۴۰۰۰ مرکز جدید رأی‌دهی برای چه ایجاد شد؟
 ۶- در پروسه ابطال آرا، آرای اضافی و جعلی از کدام نامزد باید کم شود؟

پاسخ واقعی پرسش‌های فوق از این قرار است:

۱- تعداد رأی‌دهنده‌گان در دور دوم نسبت به دور اول، به مراتب کمتر بود. زیرا در دور اول ضمن این‌که مردم خوش‌بین و امیدوار بودند، وجود هشت نامزد ریاست‌جمهوری همراه با ۴۰۰۰ نامزد شورای ولایتی، مردم را به شرکت در انتخابات تشویق نموده و حضور رأی‌دهنده‌گان را در پای صندوق‌های رأی، تسهیل می‌کردند. اما در دور دوم ضمن آن‌که مردم به‌دلیل بی‌نتیجه ماندن زحمات‌شان در ۱۶ حمل، انگیزه قبلی را از دست داده بودند، مشوقین مردم در انتخابات، از ۴۰۰۰ به ۲ نفر تقلیل یافته بود. از همین‌رو اکثریت ناظرین ملی و بین‌المللی با تأکید گفتند که میزان مشارکت مردم در انتخابات دور دوم، نسبت به دور اول کمتر بوده است. بنابراین می‌توان گفت: آرای واقعی مردم در دور دوم، با توجه به این‌که در دور اول ۶۶۰۰۰۰ رأی تثبیت شده بود، بیش از شش میلیون رأی بوده نمی‌تواند.

۲- نظر به تفاوت درصدی آرا و همسانی وضعیت امنیتی و لایات هلمند، ارزگان، زابل، پکتیا، پکتیکا و خوست، هر عقل سلیمی می‌تواند به‌آسانی دریابد که به آرای سه ولایت اول‌الذکر دست‌اندازی صورت نگرفته، ولی آرای مردم در سه ولایت اخیرالذکر، به‌گونه قطره‌های آب پاک در مرداب، با اوراق جعلی

نیاکان‌شان می‌دانند، از دست ندهند.
 ۵- مثلث ارگ، کمیسیون انتخابات و تیم تداوم از همان آغاز کمپاین‌ها، وقتی دیدند که مردم خواهان تغییر اند و از انحصارگرایی قدرت خسته شده‌اند، در پی آن شدند که با شکستن اراده و پامال نمودن رأی مردم، حکومت قومی‌شان را حفظ کنند. آن‌ها راه چاره را در این دیدند که انتخابات را به دور دوم ببرند تا زمینه و فرصت جعل و تقلب بیشتر برای‌شان فراهم گردد. کمیسیون انتخابات در همین راستا با کم ساختن یک میلیون رأی داکتر عبدالله به نفع اشرف‌غنی، توانست انتخابات را به دور دوم بکشاند. از این‌که آنان می‌دانستند که ملت افغانستان آگاهانه رأی داده و از انتخاب اولی‌شان نمی‌گذرند، ۴۰۰۰ مرکز جدید رأی‌دهی نیز برای انجام تقلب در مناطق نامن ایجاد کردند. سرانجام دیده شد که در همین مراکز جدید و مناطق نامن، میلیون‌ها رأی به‌نام اشرف‌غنی جعل شد و در صندوق‌ها جابه‌جا گردید. بنابراین، می‌توان گفت: انتخابات ۲۴ جوزا، مخلوطی از دور اول و دوم بوده و در مراکز جدید رأی‌دهی برای بار اول، به داکتر اشرف‌غنی احمدزی، رأی جعل شده است.

۶- اما در مورد ابطال آرا اگر صداقت در کار باشد، باید آرای اضافی‌بی که در جعلی بودن آن شکی وجود ندارد، باطل گردد. و در مورد این سوال که «آرای اضافی از کدام نامزد کم شود؟» می‌توان گفت که نظر به تفاوت مناطق امن و نامن و با توجه به میزان رأی در ولایات هلمند، زابل و ارزگان، هشت درصد آرای ولایات نامن تأیید و آرای اضافی بی‌اعتبار اعلام شود. از سوی دیگر با در نظر داشت این‌که کمیسیون انتخابات آرای هر دو نامزد را بعد از شمارش اعلان نموده و در نتایج ابتدایی، ۳۴۶۱۶۳۹ رأی داکتر عبدالله را تأیید نموده است، ناگزیر باید آرای اضافی از جمع آرای منسوب به اشرف‌غنی احمدزی کم شود. زیرا در پاک بودن آرای داکتر عبدالله به این دلیل که صحت آن را کمیسیون انتخابات یک‌جا با تیم اشرف‌غنی تأیید کرده‌اند، تردیدی وجود ندارد. اما صحت آرای اشرف‌غنی را ضمن این‌که تیم اصلاحات و هم‌گرایی هیچ‌گاه تأیید نکرده، اسناد معتبری نیز دال بر تقلب سازمان‌یافته و جابه‌جایی آرا توسط کمیسیون انتخابات و ارکان دولت به نفع تیم تحول و تداوم نشر و پخش نموده است.

منبع جمعیت: اداره کار توگرافی و جیوگرافی افغانستان

منبع رای: نتایج اعلان‌شده ابتدایی دور دوم انتخابات که از جانب کمیسیون اعلام شد و مورد قبول قرار نگرفت.

مورد قبول قرار نگرفت.

کن هنری کیسینجر - در روزنامه وال استریت ژورنال

نظم نوین جهانی در بحران



اشکال حکومت داری شناسایی می‌شوند. هر حوزه‌ای تمایل خواهد داشت تا قدرت خود را علیه دیگر نهادهایی که نامشروع تلقی می‌شوند، آزمایش کند. منازعه میان مناطق حتی تضعیف کننده تر از منازعه میان کشورها است. جستجوی معاصر برای نظم جهانی نیازمند یک راهبرد منسجم برای ایجاد مفهوم نظم در داخل مناطق مختلف و ارتباط دادن نظم‌های این مناطق با یکدیگر است. این اهداف لزوماً خودشان با یکدیگر سازگار نمی‌شوند. پیروزی یک جنبش افراط گر ممکن است در یک منطقه نظم ایجاد کند در حالی که صحنه را برای آشوب در دیگر مناطق فراهم کند. تسلط نظامی یک کشور بر یک منطقه حتی اگر که نظمی ظاهری ایجاد کند می‌تواند بحرانی را برای مابقی جهان به وجود بیاورد. یک نظم جهانی همراه با کشورهایی که منزلت فردی و حکومت مشارکتی را تایید می‌کنند و مطابق با قوانین توافق شده همکاری بین‌المللی دارند می‌تواند امید ما باشد و می‌بایست تبدیل به آرمان ما شود اما پیشرفت به سوی این هدف باید از طریق مراحل میانی به طور پایدار به پیش برود.

امریکا به منظور ایفای نقشی مسئولانه در تحول نظم جهانی قرن ۲۱ باید آماده باشد تا به چند سوال پاسخ دهد: ما به دنبال جلوگیری از چه چیزی هستیم، صرف نظر از اینکه این مساله چه طور اتفاق بیفتد و اینکه آیا به تنهایی اتفاق بیفتد یا نیفتد؟ ما به دنبال به دست آوردن چه چیزی هستیم، حتی اگر با تلاشی چند جانبه حمایت نشود؟ ما به دنبال به دست آوردن چه چیزی و جلوگیری از چه چیز دیگری هستیم، اگر که فقط ائتلافی حامی آن باشد؟ ما نباید در چه چیزهایی مداخله کنیم، حتی اگر یک گروه چندجانبه و یا ائتلاف خواهان آن باشند؟ ماهیت ارزش‌هایی که ما به دنبال پیش بردشان هستیم چیست و به چه نحو اجرای این ارزش‌ها به شرایط بستگی دارد؟ این نیازمند آن است که امریکا در دو سطح به ظاهر متناقض تفکر کند. توجه به اصول جهانی مستلزم به رسمیت شناختن واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و دیدگاه‌های دیگر مناطق درباره امنیت‌شان است.

حتی با وجود اینکه درس‌های دهه‌های چالش برانگیز بررسی شوند باید تایید ماهیت استثنایی امریکا پایدار باشد. تاریخ مجالی به کشورهایی که هويت‌شان را به نفع یک مسیر کم در دستر تر کنار می‌گذارند، نداده است. اما در عین حال تاریخ موفقیت را برای متعالی‌ترین اعتقادات بدون یک راهبرد ژئوپولیتیکی فراگیر تضمین نمی‌کند.

درگیری میان اقتصاد بین‌المللی و نهادهای سیاسی که به ظاهر آن را در کنترل دارند همچنین باعث تضعیف احساس هدف مشترکی که برای نظم جهانی لازم است، می‌شود. نظام اقتصادی در حالی جهانی شده که ساختار سیاسی جهان بر پایه دولت ملت است. جهانی سازی اقتصادی اساساً مرزهای ملیت‌ها را نادیده می‌گیرد در حالی که سیاست خارجی بر آن‌ها تاکید می‌کند و به دنبال تطبیق اهداف ملی متضاد و آرمان‌های نظم جهانی است. این نیرو محرکه باعث به وجود آمدن چندین دهه رشد اقتصادی پایدار همراه با بحران‌های مالی دوره‌ای با شدت فزاینده شده است: در امریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰؛ در آسیا در سال ۱۹۹۷؛ در روسیه در سال ۱۹۹۸؛ در امریکا در سال ۲۰۰۱ و بار دیگر در سال ۲۰۰۷؛ در اروپا پس از سال ۲۰۱۰.

برندگان ملاحظاتی کمی درباره نظام اقتصادی دارند اما بازندگان نظیر آنهایی که گرفتار اشکالات ساختاری شدند همان‌طور که در خط جنوبی اتحادیه اروپا مشاهده شد، به دنبال عللی هستند که باعث خنثی شدن کارایی نظام اقتصادی جهانی و مانع تراشی بر سر راه آن می‌شود. بنابراین نظم بین‌المللی با یک پارادوکس روبه‌رو است: موفقیت آن وابسته به موفقیت جهانی سازی است اما این فرآیند واکنش‌های سیاسی ایجاد می‌کند که اغلب برخلاف مطالبات آن است. شکست سوم نظم جهانی فعلی همان‌طور که موجودیت دارد فقدان یک مکانیزم برای ابرقدرت‌ها به منظور ریزنی با یکدیگر و در صورت امکان همکاری بر سر مهم‌ترین مسائل است. این یک انتقاد عجیب به نظر می‌رسد چرا که مجامع چند جانبه بسیاری در جهان وجود دارد که تعداد آن‌ها در حال حاضر بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ است. با این حال ماهیت و تکرار این نشست‌ها برخلاف یک راهبرد بلندمدت بوده‌اند. این فرآیند دستاورد چندانی را اجازه نمی‌دهد و در بهترین حالت تبدیل به بحث درباره مسائل تاکتیکی معلق و در بدترین حالت تبدیل به نشست به عنوان شکل جدیدی از رخداد رسانه‌ای می‌شود. ساختار معاصر قوانین و هنجارهای بین‌المللی در صورتی که قرار باشد مناسب بودن آن‌ها را ثابت کنیم نمی‌تواند صرفاً توسط اعلامیه‌های مشترک تایید شوند. این قوانین باید به عنوان یک اعتقاد مشترک تقویت شوند. مجازات شکست در نظم جهانی، جنگ مهمی میان کشورها نخواهد بود، اگرچه در برخی منطقه‌ها چنین چیزی امکان پذیر است، چرا که می‌بینیم در تحول حوزه‌های نفوذ، ساختارهای داخلی مشخص و درگیری بینجامد.

لیبیا درگیر جنگ داخلی است، ارتش‌های بنیادگرایان در حال ایجاد یک خلافت خودخوانده در سوریه و عراق هستند و دموکراسی نوپای افغانستان در آستانه فلج شدن قرار دارد. به این مشکلات باید احیای تنش‌ها با روسیه و روابط همراه با وعده همکاری و در عین حال خصومت علنی با چین نیز اضافه شود. مفهوم نظم که همواره اساس دوران مدرن بوده در بحران است. جستجو برای نظم جهانی مدت‌هاست که صرفاً با مفاهیم جوامع غربی تعریف شده‌اند. در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم امریکا که با تقویت اقتصاد و اعتماد ملی روبه رو شده بود، مشعل رهبری بین‌المللی را در دست گرفت و بعد چیدنی را اضافه کرد. امریکا به عنوان کشوری که صریحاً براساس مفهوم حکومت آزاد و نماینده بنا شده بود خیزش خود را با گسترش آزادی و دموکراسی همراه کرد و به این نیروها با قابلیت دستیابی به صلح پایدار و عادلانه اعتبار داد.

رویکرد سنتی اروپا به نظم، مردم و کشورها را به طور ذاتی رقیب یکدیگر می‌دانست. این رویکرد به منظور مهار بلندپروازی‌های متضاد آن‌ها، متکی بر توازن قوا و مجموعه‌یی از دولت‌مردان روشنفکر بود اما دیدگاه غالب امریکا ذاتاً مردم را برخوردار از عقل می‌داند و آن‌ها را متمایل به سازش صلح‌آمیز و عقل سلیم تشخیص می‌دهد. بنابراین گسترش دموکراسی تبدیل به هدف غالب نظم‌های بین‌المللی شد. بازارهای آزاد از افراد حمایت کرده، جوامع را غنی ساخته و جایگزین وابستگی متقابل اقتصادی برای رقابت‌های سنتی بین‌المللی شدند. این تلاش برای ایجاد نظم جهانی به طرق زیادی ثمربخش بود. مجموعه‌ای از کشورهای مستقل و حاکم بر اکثر اراضی جهان حکومت می‌کردند. گسترش دموکراسی و حکومت مشارکتی حتی اگر که یک واقعیت جهانی نبود اما تبدیل به یک آرمان مشترک شد و مخابرات و شبکه‌های مالی جهانی به طور همزمان فعال بودند. سال‌های پس از ۱۹۴۸ تا آغاز قرن ۲۱ دوران کوتاهی در تاریخ بشریت بودند که در آن انسان می‌توانست درباره یک نظم جهانی اولیه متشکل از ترکیبی از آرمان‌گرایی امریکایی و مفاهیم سنتی اروپایی مبتنی بر کشوریت و توازن قوا صحبت کند. اما مناطق وسیعی از جهان در این نظم مشارکت نداشتند و تنها به مفهوم غربی نظم تن دردادند. این ملاحظاتی در حال حاضر به عنوان مثال در بحران اوکراین و در دریای چین جنوبی آشکار شده‌اند. نظم ایجاد شده و تقبل شده توسط غرب اکنون به یک نقطه عطف رسیده است. در درجه اول مفهوم کشور به عنوان واحد اساسی زندگی بین‌المللی دستخوش چندین فشار شده است. اروپا تلاش کرده تا از کشوریت فراتر رفته و یک سیاست خارجی عمدتاً بر پایه اصول قدرت نرم شکل دهد اما تردید وجود دارد که ادعای مشروعیت جدا از مفهوم راهبرد بتواند نظم جهانی را تاب بیاورد. اروپا خود را تسلیم ویژگی‌های کشوریت نکرده و این منجر به خلا قدرت در داخل و عدم توازن قوا در طول مرزهایش شده است. همزمان بخش‌هایی از خاورمیانه دستخوش مولفه‌های در حال نبرد قومیتی و فرقه‌ای شده‌اند. شبه نظامیان مذهبی و قدرت‌هایی که حامی آن‌ها هستند به طور عمدی مرزها و حاکمیت را نقض می‌کنند و باعث پدید آمدن کشورهای شکست‌خورده‌ای شده‌اند که اراضی خود را کنترل نمی‌کنند. چالش آسیا در مقابل چالش اروپا است: اصول توازن قدرت در حالی غالب هستند که ارتباطی با مفهوم پذیرفته شده مشروعیت ندارند و این منجر می‌شود که اختلافات به درگیری بینجامد.

رییس جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا: پوتین به مردم خودش ضرر می‌زند



رییس جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز دوشنبه در مصاحبه‌یی گفت که پوتین در حال آسیب رساندن به مردم خودش است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، خانم فدریکا موگرنی ۴۱ ساله، وزیر امور خارجه ایتالیاست که به عنوان رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا انتخاب شده و از نظر بسیاری از سیاستمداران و کارکنان فدری کم‌تجربه است اما وی باید بر این تردیدها غلبه کند تا بتواند سمت جدیدش را حفظ کند.

موگرنی در اولین مصاحبه خود با روزنامه ایتالیایی «کوریئرا دلا سرا» گفت که سیاست ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه درباره اوکراین منجر به تحریم‌های اقتصادی شده است که به مردم روسیه آسیب می‌زند. غرب از تحریم‌ها به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند تا راه حل دیپلماتیک برای درگیری اوکراین به وجود آید.

وزیر امور خارجه ایتالیا که در فوریه ۲۰۱۴ این سمت را کسب کرده از نظر بسیاری از سیاستمداران و کارشناسان تجربه کافی را در انجام اقدامات در صحنه بین‌الملل ندارد و بنا بر نظر بسیاری افراد بدبین انتخاب وی به عنوان رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا و جانشین کاترین اشتون بیانگر این است که کشورهای عضو می‌خواهند تسلط و نفوذ خودشان را بر مسائل سیاست خارجی حفظ کنند.

اشتون نیز که یکی از اعضای غیر منتخب مجلس عالی پارلمان انگلیس بود هیچ تجربه‌ای در زمینه سیاست خارجی نداشت و با همین رویکرد به عنوان رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا انتخاب شد، اما در این سمت کارآزموده شد و توانست تحسین بسیاری از سیاستمداران و منتقدان را جلب کند. اما از آنجایی که ایتالیا در بخش انرژی به روسیه وابسته است، بسیاری از منتقدان موگرنی را در رابطه با مسکو محتاط می‌دانند.

موگرنی در ادامه مصاحبه خود افزود: اما نکته اینجاست که آیا تأثیری که تحریم‌ها بر روی اقتصاد روسیه دارد می‌تواند رفتار منطقی رهبری مسکو را تغییر دهد؟ هم‌اکنون کرملین بر خلاف منافع مردم کشورش عمل می‌کند. اظهارات پوتین می‌تواند هر چه بیشتر تمامیت ارضی اوکراین را تضعیف کند و همین امر وی را همتای دیپلماتیک غیر قابل اعتمادی کرده است.

با این حال موگرنی در سخنانی نسبتاً تند گفت: پوتین هرگز به تعهداتی که در موقعیت‌های مختلف مطرح کرده، احترام نمی‌گذارد. وی دارد فرصت را از دست می‌دهد و باید از نفوذ خود بر روی جدایی طلبان استفاده کند. حال فاصله‌ی بین تعهدات و اقدامات جدی بسیار زیاد است.

هم‌اکنون خانم موگرنی که خود یکی از اعضای حزب چپ میانه دموکراتیک ماتئو رنتسی، نخست‌وزیر ایتالیاست باید بر این تردیدها غلبه کند و رفتار و عملکردش در سیاست خارجی و بحران اوکراین کاملاً زیر ذره بین قرار خواهد داشت.

دولت‌های مرکز و شرق اروپا بیم آن را دارند که موضع موگرنی در قبال روسیه بسایر نرم باشد چرا که مسکو یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان انرژی و شریک بازار تجاری ایتالیاست.

در حالی که موگرنی ممکن است فاقد شخصیت کاریزماتیک و تجربه کافی باشد اما به خاطر سمت وزیر خارجه بودن می‌داند که در سیاست خارجی باید چگونه رفتار کند و همکاری‌اش وی را زنی سخت‌کوش و مطلع توصیف می‌کنند. وی همچنین برخلاف دونالد تاسک لهستانی، رییس جدید شورای اروپا، به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی آگاه است؛ دو زبانی که در ارتباطات بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارند.

موگرنی با انتقاد از ادعاها درباره بی‌تجربگی‌اش گفت: من در سن ۴۱ سالگی بی‌تجربه نیستم. سن من از رنتسی ۳۹ ساله بیشتر است. من نسل جدیدی از رهبران اروپا هستم و امیدوارم بتوانم این شکاف را میان شهروندان اتحادیه اروپا و نهادهای سیاسی از میان بردارم.

پوتین کی‌یف را سرزنش کرد

گرفتن غیرنظامیان هستند. پوتین تاکید کرد: هدف مبارزان شبه‌نظامی این است که این نیروهای مسلح را عقب برانند و به توپخانه آنها اجازه ندهند تا به مناطق مسکونی شلیک کنند.

در همین حال ولادیمیر پوتین درباره تهدید غرب برای اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه گفت: امیدوارم که درباره احتمال اعمال تحریم‌های مضاعف علیه روسیه، عقل سلیم بتواند در غرب پیروز شود و ما بتوانیم در یک راه مدرن و طبیعی قدم برداریم. نه ما و نه شرکای ما نمی‌توانند هزینه ضربات دوجانبه تحریم را تحمل کنند.

به گزارش پایگاه خبری ایترتاس، ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه در جمع خبرنگاران گفت: رهبری کنونی اوکراین نمی‌خواهد که مذاکرات سیاسی اساسی با جدایی‌طلبان شرق کشورش داشته باشد.

وی همچنین گفت که جدایی‌طلبان روس‌گرا که به گفته کی‌یف و غرب از سوی ارتش روسیه حمایت می‌شوند، در حال عقب راندن نیروهای اوکراینی از مواضع کنونی هستند چرا که آنها در حال هدف



رئیس‌جمهوری روسیه روز دوشنبه رهبری کی‌یف را به امتناع از مذاکره سیاسی مستقیم با جدایی‌طلبان شرق کشورش متهم کرد و گفت که آنها در حال عقب راندن نیروهای دولتی اوکراین از مواضع فعلی‌شان هستند.

بخش دوم و پایانی

زبان بدن آدم‌های دورو



سیدعلی دربانی

انواع دوروها

علم روان‌شناسی، ریاکارها را به چهار دسته تقسیم می‌کند که وضعیت‌شان آن‌قدر پیچیده است که گنجاندن مصداق‌ها در این چهار قالب تمرکز زیادی می‌خواهد. دسته اول آن‌هایی هستند که نام‌شان را کنار گذاشته‌اند: «دوروهای صادق‌ظاهری»؛ همان آدم‌هایی که ادعاهای‌شان با رفتار و اعمال‌شان در تضاد است، یعنی وقتی در میان مردم هستند یک چیز می‌گویند و در عمل برخلاف آن رفتار می‌کنند. اما این‌ها در عین حال صادق نیز هستند، چون اگرچه عمل‌شان با آن‌چه می‌گویند در تضاد است، ولی به آن‌چه انجام می‌دهند ایمان دارند.

دسته دوم، «دوروهای صادق‌باطنی» هستند که مثل گروه قبل، باورهای‌شان با رفتارشان در تضاد است با این تفاوت که این گروه با خود صادق هستند و می‌دانند در باطن چه نوع آدمی هستند.

دسته سوم و چهارم ریاکارها البته پیچیده‌تر از دو گروه دیگرند و روان‌شناسان آن‌ها را دوروی متقلب می‌دانند که حتماً کنار آمدن با آن‌ها، سخت‌تر از دو دسته قبل است؛ «دوروهای متقلب‌ظاهری» نه فقط ادعای‌شان با رفتارشان متضاد است، بلکه ادعای این افراد نیز با باورهای‌شان یکی نیست. در واقع این گروه از آدم‌ها ادعا می‌کنند به مسایلی باور دارند، در حالی که در درون هیچ اعتقادی به آن مسایل ندارند. مثلاً این‌ها نه تنها راستگو نیستند و دروغ می‌گویند، بلکه اساساً به راست‌گویی نیز باور ندارند. ریاکارانی که لقب «صادق‌ظاهری» می‌گیرند، اگر به رفتارهای ریاکارانه خود ادامه دهند، تبدیل به ریاکاران متقلب‌ظاهری می‌شوند، یعنی کسانی که رفتارشان با گفتارشان هماهنگ نیست و در باطن به آن‌چه در میان مردم می‌گویند نیز اعتقاد ندارند.

اما پیچیده‌ترین گروه ریاکاران، دسته چهارم هستند که به آن‌چه می‌گویند عمل می‌کنند، اما به آن‌چه می‌گویند باور ندارند. این گروه از ریاکاران این چنین عمل می‌کنند؛ چون سعی دارند همیشه دیگران را از خود راضی نگه دارند، حتا اگر قرار باشد دست به کارهایی بزنند که به آن اعتقاد ندارند.

زبان بدن افراد دورو

از طریق ارتباطات غیرکلامی، می‌توان افراد دورو را شناسایی کرد. ارتباطات غیرکلامی، دنیایی از کلام را به مخاطب می‌رساند. «بن‌بست دوسویه» می‌حسب در علم ارتباطات است که به‌خوبی روشن‌کننده این مسأله است. نظریه بن‌بست دوسویه می‌گوید: اگر کسی در کلام مطلبی را عنوان می‌کند ولی رفتار و سکناتش چیز دیگری می‌گوید، شما به رفتار و سکناتش توجه داشته باشید. نکته جالب آن است که اگر در جایی ارتباطات کلامی و غیرکلامی گرد هم آیند، شما با ۹۰ درصد اطمینان به ارتباطات غیرکلامی توجه کنید. در مورد افراد دورو، مشخصات رفتارهای غیرکلامی این چنین است که مردمک چشم‌های افراد دورو باز است و رنگ صورت آن‌ها از حالت عادی تغییر می‌کند یا به سفیدی می‌گراید و یا هم قرمز و گلگون می‌شوند.

روباه خطرناک‌تر است یا گرگ؟

افراد دورو در برخی اوقات نیز دارای تزلزل‌گفتاری هستند، آنان ثبات رأی و شخصیت نیز ندارند و گاهی چنان صحنه‌پردازی می‌کنند که مخاطب می‌انگارد که حقیقت محض است. به‌راستی روباه خطرناک‌تر است یا گرگ؟ گرگی که مستقیم به چشم‌های‌مان نگاه می‌کند و بی‌درنگ حمله می‌کند یا روباهی که لبخند می‌زند

حرکات دست

معمولاً افراد دورو، شدت صدای بلندتری دارند و با حرکات دست بیشتری صحبت می‌کنند. گاهی نیز هنگام صحبت، دست‌ها را پشت کمر مخفی می‌کنند. شخصی که به این افراد دورو از همان ابتدا اعتماد ندارد، اغلب هنگام دست دادن، بسیار محافظه‌کارانه، فقط نوک انگشتان او را می‌گیرد. افراد دورو هنگام نشستن روی چوکی، کمی به راست یا چپ متمایل می‌شوند و گاه کمی به جلو برای ارتباطی صمیمانه خم می‌شوند و غالباً لبخند بر لب دارند. افراد دورو علاوه بر این رفتارها، مهارت خاصی در دروغ‌گویی نیز دارند و به دلیل همین خصلت، فراموشکار اند.

متافیزیک ترافیک

در باب مارشال برمن، فیلسوفی که به هر جا سرک کشید

کوری رابین

ترجمه: محمد زمانی جمشیدی

در «سیاست اصالت» (The Politics of Authenticity) از آن سخن گفته بود؛ زنده‌گی هنر والا و فرهنگ عامه (پاپ)، یا هیپ‌هاپ.

مارشال به هر جایی سرک کشید و سهمش همه جهان شد. تنها چیزی که نتوانست تاب آورد، زشتی و خشونت بود. اگر باید بپذیرد، باید در روز می (May Day) بپذیرد، نه فقط روز می سیاست رادیکال بین‌الملل (که آن‌هم روزی است در یادبود مرگ)؛ بلکه روز می بهار، روز رقص و آواز، جشن‌های بارآوری و زاینده‌گی...

مارشال برمن، نظریه‌پرداز سیاسی مارکسیست آمریکایی و نویسنده «تجربه مدرنیته»، در یازدهم سپتامبر ۲۰۱۳ درگذشت. این عاشق مارکس و نیویورک، از معدود مارکسیست‌های آمریکایی بود در سرزمینی که چندان خاطره خوشی از مارکسیست‌ها ندارد و آن‌ها هم چندان دلخوش از این کشور نیستند. مرگ او در یازدهم سپتامبر و هم‌زمانی آن با برخی



و درباره آن روز، یزده سپتامبر هنوز چیزی هست که به نظر مربوط می‌رسد. دیدگاه مارشال درباره غرش زنده‌گی به طرزی گریزناپذیر با آگاهی او از مرگ و ویرانی پیوند دارد. «هر آن‌چه سخت و استوار است...» که نام خود را از سطر مشهوری در مانیفست کمونیست می‌گیرد، یک جشن‌نامه پیروزی است بر تجربه تقسیم شده divided experience که همان مدرنیته باشد، از دست دادن جهان قدیم که سازگاری دارد با آفرینش جهان جدید، پوسیده‌گی به مثابه شرط سازنده‌گی. هرگاه به مارشال می‌اندیشم، یاد سطری می‌افتم از شعر Notre Dame اوزیپ ماندلشتام: «من نیز یک روز از فشار بی‌رحم و خشن، زیبایی خواهم آفرید». (شگفت این‌که، هرچند مارشال در هر آن‌چه سخت و استوار است... به تفصیل درباره ماندلشتام می‌نویسد، هرگز ذکری از این شعر به میان نمی‌آورد).

هر آن‌چه سخت و استوار است... از آن دست متون تیوریک کمیابی است که به معنای واقعی کلمه، یک سرگذشت‌نامه است؛ فاش‌کننده عمیقاً شخصی از هستی پدیدآورنده‌اش. همانند گفتار دوم روسو یا شرق‌شناسی ادوارد سعید، شدیداً و شاید به طرزی تاب‌نیاوردنی صمیمانه است.

رخدادهای مهم تاریخی، توجه زیادی را برانگیخت. برمن، خود چندین سال پیش در مصاحبه‌یی با تونی موچینسکی، از آن حادثه سخن گفته بود. گفتار پیش رو، ترجمه و تلخیصی است از نوشته کوری رابین، که به گفته خودش از سال ۱۹۹۹ با برمن دوست و همکار بوده است.

مارشال برمن، نظریه‌پرداز سیاسی و همکار من، در CNUV درگذشت. هنگامی که این خبر را شنیدم، نخستین چیزی که به ذهنم رسید، یازده سپتامبر بود. این روز خوبی برای مردن نیست، ولی مردن در روزی که نامش تداعی‌گر مرگ است، هرچند مرگ نزدیک به سه‌هزار نفر در چنین روزی، بیشترشان در شهر محبوب او نیویورک، یا کودتای یازده سپتامبر ۱۹۷۳ در شبلی که آئنده را سرنگون و پینوشه را بر سر کار آورد- درباره برمن به نظر می‌رسد شبیه حمله خشن و ویژه‌یی باشد علیه جهان.

نزد هر کس که او را می‌شناخت یا آثارش را خوانده بود، برمن مرد یک زنده‌گی سرکش و زاینده بود. زنده‌گی شهر، که او در اثر کلاسیک خود «هر آن‌چه سخت و استوار است...» به آن شهرت و جاودانه‌گی بخشیده بود؛ زنده‌گی، عشق و رهایی، که

توطیه و خیانت

مقاله‌ی بی از تیموتی بل درباره‌ی مک کارتیسم و نقد ادبی



برگردان: امیر جلالی

هیستری مک‌کارتیسم که نام خود را از سناتور ایالت ویسکانسین جوزف مک‌کارتی اخذ کرده، به هیچ روی محصول تخیلات یا توهمات فردی خاص نبود و از قضا، محدود به دوره کوتاه مدت تسلط مک‌کارتی هم نمی‌شود. گزارش‌های متعدد، متناقض و گاهی باورناپذیر از دوران مک‌کارتی، پژوهش در باب تأثیرگذاری وحشت و بدبینی‌های سیاسی شاخص در دهه ۵۰ آمریکا را دشوار می‌کند. مک‌کارتی در این فرایند تنها نبود، اما چنانچه بخواهیم دامنه نقش آفرینی او را در عرصه نقد ادبی پیگیری کنیم، لازم است نخست سیر شیوع توطیه را در عرصه‌های سیاست، سینما و ادبیات مد نظر قرار دهیم. مک‌کارتیسم، در نظام آکادمیک، روشن‌فکری و ژورنالیستی آمریکا با دو کلیدواژه «توطیه» و «خیانت»

گره خورده است. مستمسک دولت‌مردان آمریکایی، موج کمونیسم، تلاش دولت اتحاد جماهیر شوروی برای تسخیر آمریکا یا انتشار فناوری هسته‌یی و بروز فاجعه‌یی هولناک است. گرچه خلاف بدنامی مک‌کارتی، در حقیقت این نیکسون بود که نخستین بار در ۱۹۴۷ رقیب انتخاباتی خود را با لحنی خطاب قرار داد که بعدها به خصیصه دوران مک‌کارتی شهرت پیدا کرد. کمیته‌هایی که مک‌کارتی در سراسر حوزه‌های فرهنگی و هنری آمریکا تأسیس کرد، به مدت یک دهه تخم اختناق و بدبینی را پراکندند، از هالیوود گرفته تا کافه‌های محل تجمع هنرمندان نیویورکی.

با این حال، تأثیر مک‌کارتیسم در زمینه نقد ادبی هم‌چنان در سکوت و بی‌اعتنایی کارشناسان و مورخان ادبیات مدفون است. خلاف اروپای بعد از جنگ، که دو پارادایم پدیدارشناسی (و اگزیستانسیالیسم) و فرمالیسم روسی بر آن غلبه دارند، در آمریکا ضمن انزوای

در مباحث مطروحه در نقد ادبی اروپایی، «نقد نو» به روش رسمی و متحدالشکل آموزش ادبیات میدل می‌شود. معمولاً مک‌کارتیسم را با اظهارات شوک‌آور الیا کازان، اوج گرفتن سینمای منکیویچ، خروج فاکنر از هالیوود، یا اعدام اتل و جولوس روزنبرگ، یا مقاومت دشیل همت و لیلین هلمن در کنار تنی چند از نویسندگان و روزنامه‌نگاران می‌شناسند. اما مداخلات دیوید دیچز و سکوت منتقدان موسوم به «نقد نو» سخنی به میان نمی‌آید. به نظر می‌رسد که بخشی از سرایت نقد نو به فضای مطالعات ادبی در آمریکا و سپس جهان‌گیر شدن آن، مدیون کوشش‌های مک‌کارتی و همکاری‌اش باشد. گرچه الن تیت و ادموند ویلسون، استثناهایی بر این فرضیه‌اند، از یاد نباید برد که این دو در جرگه منتقدان نقد نو چندان جایگاه مخصوصی نداشتند. فرمالیسم روسی در آن سال‌ها، در مظان اتهام خیانت و مشارکت در همکاری با دشمن

قرار داشت. محرک اصلی تأسیس نقد نو، دست یافتن به روشی تماماً آمریکایی بود تا ضمن آن که نقد ادبی از قافله تحولات مطالعات ادبی عقب نیفتد، از هیچ‌گونه پیشینه تحقیقاتی معاصر برخوردار نباشد. منتقدان نقد نو از کلمات تکنیک، مکانیسم، و حتا زبان‌شناسی پرهیز می‌کردند. این تعبیرات در آن زمان حامل دلالت‌های کمونیسم، شوروی و سرخ بودند.

در عوض «کشمکش»، «طرح توطیه»، «تنش»، «اعتمادپذیری» و «اعتمادناپذیری» کلماتی متناسب با فضای مک‌کارتیستی کلیدواژه‌ها و اصطلاحات فنی نقد ادبی شدند. از جنبه‌یی دیگر، تجربه آموزشی موسوم به دایرکت متد در جنگ دوم جهانی و جنگ کوریا، با نقد نو به نحوی پیوند خورد که با این شیوه مستقل از تمایز فرهنگی می‌توان همه ادبیات جهان را مطالعه کرد. نقد نو حتا از سرچشمه‌های پراگماتیستی آکادمی آمریکا فاصله داشت. سکوت در برابر مک‌کارتیسم تنها در انزوا و از کار بی‌کار شدن بازیگران، فلم‌نامه‌نویسان و روزنامه‌نگاران آمریکایی خلاصه نمی‌شود، در التهاب دهه ۵۰ بعضی مفاهیم و رویکردهای نظری توسعه یافتند و تأثیر آن‌ها تا دو دهه بعد ادامه پیدا کرد. دیوید دیچز، در موج مک‌کارتیسم نقش ویژه‌یی به عهده داشت و احتمالاً مواضع او از باور شخصی او مبتنی بر خطر نابودی فرهنگ آمریکا بود. لایونل تریلینگ منتقد و نظریه‌پرداز دیگری بود که مکرراً بر خطر سوسیالیسم و ضرورت مبارزه با جنبه‌های نظری آن تأکید داشت.

نقد نو، بی‌رقیب و در آرامش فضای جدلی و نظری دهه ۳۰، به دور از تنوع ابعاد نظریه ادبی در اروپا، یکه‌تازی می‌کرد. در ضمن آن، سال‌ها مطالب درسی با عبارت «برای دانشجویان» نوعی نظام سلسله‌مراتبی را رواج می‌داد. «نقد نو» بی‌ها حتا در ریگانیسم دهه ۸۰ در صفا‌آرایی شگفتی در برابر «نظریه ادبی» حتا به اخراج همکارانشان رضایت دادند. استثنا بر این قاعده، منتقدان ییل بود. از اواسط دهه ۶۰ هم‌زمان با فروکش کردن تب مک‌کارتی با موجی از نظریه‌پردازان و فیلسوفان ادبیاتی در ییل مواجه‌ایم که در هر سمینار و کنگره ادبی، نارسایی نگره‌های نقد نو را برجسته می‌کنند.

برخوردها و جدل‌های ژرژ پوله، دریدا و پل دومان با نظریه‌پردازانی مثل ایبرامز حاکی از آن است که تک‌روی نظری، انعطاف و تسامح فکری را از منتقدان نقد نو دور کرده بود. هرچند دیری نباید که پویایی ذهنی به زمینه نقد در آمریکا بازگشت، گرچه نقد نو هیچ‌گاه شکوه دهه‌های ۵۰ و ۶۰ خود را بازیافت. در این‌که نقد نو در زمره میراث مک‌کارتیسم باشد، هم‌چنان محل مناقشه است.

رمانتیسیسم را فراموش نکنیم

محمد مهدی صدر فراتی

در بررسی تاریخی فلسفه غرب، به‌نوعی اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم از نظر فارسی‌زبان‌ها مغفول می‌ماند. در سیر نقد فکری غرب معمولاً متفکران از دوره یونان باستان آغاز کرده و با گذر از امپراتوری روم، دیانت مسیحی و آباب کلیسا به قرن شانزدهم میلادی می‌رسند. پس از بررسی دکارت و هم‌عصرانش، دوره بسیار مهمی در اروپا جریان دارد که مقدمه مدرنیته در این قاره است، اما متأسفانه به دلیل آن‌که این دوره ادامه حیات نداشت، معمولاً از بیان و توجه به آن صرف‌نظر می‌شود. این دوره عبارت است از رمانتیسیسم یا دوره احساس‌گری!

پس از پیشرفت‌های چشم‌گیر غرب در تکنالوژی و صنعت، بسیاری از غریبان تحت تأثیر این ظواهر قرار گرفتند. شاید بتوان فلم عصر جدید چارلی چاپلین را در رسم حال و احوال آن دوره مناسب دید. انسان‌هایی که سراسر مجذوب فناوری شده بودند، تمام احساسات و عواطف خود را فراموش کردند. خانواده از پایین‌ترین ارزش برخوردار بود. انسان‌ها با یکدیگر به‌سردی برخورد می‌کردند. این سردی خصوصاً در آلمان که زبان‌زد مدرنیته بوده و هست، حس می‌شد.

به همین خاطر است که ریشه‌های دوره رمانتیسیسم و بلوغ آن را بیشتر در تفکر آلمانی می‌بینیم، اما مسلماً نباید این دوره را در فیلسوفان و ادیبان آلمانی منحصر بدانیم. به هر روی، مهم‌ترین چهره‌های این جنبش در آلمان عبارت‌اند



فراموشی جلوه‌های زیبایی آن، باعث بیگانه‌گی از طبیعت و محیط پیرامون ما شده است! پس تا این‌جا بحث شد که احساس‌گرایان، سه معضل را در بیماری انسان‌های مدرن دخیل می‌دانستند. اما پاسخ آنان به این سه بیگانه‌گی، در یک یگانه‌گی و وحدت قرار می‌گیرد. آن‌ها عشق را تنها درمان انسان‌های این عصر می‌دانند. بازگشت به ادبیات

از آگوست ویلهلم شلگل، برادر وی فردریک شلگل، لودویک تیک، ویلهلم وکنرودر، فردریش شلایرماخر و فردریش هاردنبرگ. هر یک از این افراد تأثیرات به‌سزایی در پیشبرد ادبیات و اندیشه و جریان دینی داشتند. به طور مثال، نظرات شلایرماخر در باب تجربه دینی از جمله مباحثی است که تأثیرات آن همین روزها نیز بر متفکران ما باقی‌ست.

اصحاب این دوره معتقد بودند: سه مشکل بیماری عصر مدرن بوده و با حل این معضلات است که می‌توان رویکرد انسان‌ها را به زنده‌گی بر پایه عشق و محبت بازسازی کرد. بیماری عصر مدرن، بیگانه‌گی از ۳ مفهوم است؛ اول بیگانه‌گی از خود! در لایه بالاتر، بیگانه‌گی از انسان‌های دیگر و در لایه بیرونی، بیگانه‌گی از طبیعت! قدرت بالایی که اکنون انسان در دخل و تصرف محیط دارد، باعث غرور او شده و او را از خود واقعی‌اش بازداشته است. دیدگاه اقتصادی، اهمیت بسیار زیاد پول، جامعه کارگری و خشک و بی‌روح کارخانه‌ها (مارکسیسم در قرن نوزدهم) و محیط رقابتی باعث فراموش شدن و بیگانه‌گی انسان‌ها از دیگر هم‌نوعان‌شان شده است. همچنین نگاه ابزارانگاره و محصول‌محور به طبیعت و

گذشته (یونان باستان و دوره قرون وسطا) که بر عشق بیشتر تأکید داشت، راهکار مورد پسند است. اصولاً نوستالژی بازگشت به گذشته در فکر بیشتر متفکران این عصر است. این افراد کلید نجات از مدرنیته را در عشقی می‌یابند که در گذشته‌گان رواج داشته است.

متأسفانه در میان اندیشه‌ورزان فارسی‌زبان، کمتر کسی به صورت جدی روی این دوره فعالیت و پژوهش کرده است. علل مغفول ماندن این دوره در منظر ما را می‌توان در دو دلیل خلاصه کرد. اول آن‌که تأثیرات امروز فلسفه غرب معمولاً از جنبش‌هایی گرفته شده است که تجربه‌انگاران مانند هیوم و ذهن‌گرایانی مانند کانت گذاشته‌اند و شاید به‌نوعی بتوان گفت عصر رمانتیسیسم هم‌اکنون یک جنبش مرده است. متأسفانه آن‌ها به تأثیرات چشم‌گیر این دوره توجه ندارند. شاید بتوان یکی از عوامل تولد دوره معاصر فلسفی را در مخالفت با احساس‌گرایان قرن نوزدهم و تأکید بر عقل مستقل در قرن بیستم دید. دلیل دوم، آشنایی کم متفکران پارسی‌زبان با زبان آلمانی‌ست که عمده مطالب این دوره را دربر می‌گیرد.

منبع: مدخل رمانتیسیسم از دایره‌المعارف فلسفی راتلج

هشدار تیم اصلاحات و همگرایی:

خواستهای ما پذیرفته نشود

پروسه را برای همیشه ترک خواهیم کرد

تیم اصلاحات و همگرایی خواستار صداقت در روند گفت‌وگوهای سیاسی و تخنیک انتخابات شد و ضرب‌الاجلی را تعیین کرد که اگر تا فردا به خواسته‌های‌شان رسیده‌گی نشود؛ روند را به گونه‌ی دایمی ترک خواهند کرد.

فاضل سانچارکی سخنگوی ستاد اصلاحات و همگرایی روز گذشته (دوشنبه) در یک نشست خبری گفت: «حکومت وحدت ملی زمانی تشکیل خواهد شد که به آرای مردم احترام گذاشته شود».

این ستاد هشدار داده است در صورتی که تا بامداد امروز سه شنبه به خواسته‌های‌شان رسیده‌گی صورت نگیرد؛ روند انتخابات را به گونه‌ی دایمی ترک خواهند گفت.

سانچارکی افزود: «نتیجه آرای شفاف را می‌پذیریم؛ اما برآیند نتایج انتخابات برای این نهاد قابل قبول نیست». سانچارکی در بخشی از گفته‌هایش اتهام‌های وارده از جانب تیم رقیب‌اش را رد کرده و ستاد انتخاباتی تحول و تداوم را وسیله و ابزار ارگ ریاست‌جمهوری عنوان کرد.

ستاد اصلاحات و همگرایی با تأکید به جامعه جهانی و تیم رقیب‌اش هشدار داد که بدون صداقت، روند سیاسی و تخنیک انتخابات را مطلق رد می‌کند.

سانچارکی همچنان اعلام کرد که مدارکی در دست دارند که نشان‌دهنده تقلب گسترده در انتخابات ریاست‌جمهوری بوده و روند تفتیش پاسخگویی عمق تقلب در انتخابات نیست.

این عضو تیم اصلاحات و همگرایی اذعان داشت: روند بررسی که نتواند جواب‌گوی عمق تقلب و دست‌درازی در امور سیاسی کشور باشد هیچ ارزشی ندارد.

وی افزود: روش‌هایی که برای بررسی روند رسیده‌گی به آرا و ابطال آن مورد استفاده قرار گرفت، با هماهنگی سازمان ملل متحد و توسط یک گروه متخصص برنامه‌ریزی شد که به وسیله آن با مواردی که روبرو می‌شدیم برخورد می‌شد.

این مقام تیم اصلاحات و همگرایی گفت: در جلسات اولیه‌ی که قبل از آغاز روند بررسی و بازشماری آرا برگزار شد از کمیسیون انتخابات افغانستان خواستیم تا لیست نهایی مراکز فعال و غیرفعال که در انتخابات افغانستان به ثبت رسیده را در اختیار تیم انتخاباتی دکتر عبدالله قرار دهند و آن‌ها نیز رسماً این لیست را ارائه دادند که پس از مشاهده آن متوجه شدیم که به امضای ۳ ارگان امنیتی کشور در آمده است تا به دست ما برسد.

وی گفت: براساس لیست مذکور، تیم اصلاحات و همگرایی برنامه‌ریزی کاری خود را انجام داد و در پایان نیز نتایج را بر اساس همان لیست مطابقت دادیم و متوجه شدیم ارقامی که از ۱۹۰ پایگاه انتخاباتی در بانک اطلاعات کمیسیون مستقل انتخابات وجود دارد با ده‌ها هزار تفاوت به ثبت رسیده است که بلافاصله این مسأله با سازمان ملل متحد در میان گذاشته شد و خواستیم تا برخورد جدی و سریعی با این موضوع داشته باشند و آن‌ها نیز متعهد شدند به آن رسیده‌گی کنند.

این عضو تیم اصلاحات و همگرایی خاطر نشان ساخت: در رابطه با آرای تقلبی که به دست آمده باید گفت که در موارد بی‌شماری در یک مرکز رأی‌دهی و حتی یک ولسوالی، آرای به چشم می‌خورد که توسط یک یا ۲ نفر تکمیل شده و به امضا رسیده است و در این باره به حداقل ۲ هزار دسته اوراق انتخاباتی برخوردیم که نشان از این تقلب وسیع و سازمان یافته بود.

وی ادامه داد: مجدداً سازمان ملل متحد را با ارسال نامه‌ی رسمی از این موضوع آگاه کردیم و آنان نیز مانند گذشته مجدداً متعهد شدند تا به این قضیه رسیده‌گی کنند اما همچنان منتظر اعلام نتایج این سازمان هستیم.

او اذعان داشت: امیدواریم که اصل بی‌طرفی از سوی سازمان ملل متحد رعایت شود.

آماده حرکت‌های سبز و نارنجی شوید!

در همین حال، استاد عطا محمد نور والی بلخ و رییس اجرایی جمعیت اسلامی، از مردم خواسته که آماده حرکت‌های سبز و نارنجی شوند.

او با اشاره به تقلب‌های سازمان یافته از سوی کمیسیون انتخابات در اعلامیه‌ی گفته است که انتخابات در نتیجه فساد و خیانت دسته‌های معین و شماری از کارمندان ارشد و رهبری کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات، برای بار سوم، ارزش و اعتبار خود را کاملاً از دست داده است. باوجود تعهدات جامعه بین‌المللی، مبنی بر برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه، مردم عزیز ما در دو دور با تحمل تمامی مشکلات و مصایب، پای صندوق‌های رأی رفتند و اراده خود را به تمثیل گرفتند؛ اما کمیسیون انتخابات، نه تنها اراده مردم را به تمسخر گرفت که با سرنوشت سیاسی آنان نیز بازی نمود.

در این اعلامیه آمده است: با توجه به همه فراز و نشیب‌ها، تخطی‌ها، تقلب‌های مشهود و سازمان‌یافته و خیانت ملی که در این روند موجود بود، تیم اصلاحات و هم گرایی، روند را ترک و تصمیم بر آن شد که این تیم به عنوان برنده دور اول و دوم انتخابات، حکومت مشروع خود را اعلام نماید؛ اما این تیم بنا به درخواست جامعه جهانی به عنوان دوستان و کمک‌کننده‌گان مردم افغانستان، ارج‌گزار به منافع علیای کشور، برون رفت از بن بست انتخابات، جلوگیری از بحرانی‌شدن بیشتر اوضاع کشور و ده‌ها موارد دیگر، درخواست هوا دارانش برای اعلام حکومت را به تأخیر انداخت و پس از مذاکرات و دریافت اعتماد از سوی جامعه جهانی مبنی بر تأمین شفافیت در روند، به پروسه تخنیک و سیاسی پیوست و توافق نامه تشکیل حکومت وحدت ملی را امضاء نمود. دیده شد که نه دوستان بین‌المللی و نه نهادهای داخلی، نه تیم تحول و تداوم و نه هم حکومت افغانستان به عنوان طراح تقلبات سازمان یافته، در این روند از صداقت و باورمندی به دموکراسی و برون رفت از وضعیت موجود برخوردار نیستند و تنها تکیه‌شان بر مشروعیت بخشیدن تقلب و احراز قدرت نامشروع است.

در این اعلامیه می‌خوانیم: با آن‌که موارد متعدد

در کنفرانس ناتو خواهان...

ولز زمانی برگزار می‌شود که افغانستان در وضعیت حساسی قرار دارد. روند تفتیش و ابطال آرای ناپاک هنوز ادامه دارد و رییس جمهور جدید که قرار بود در این کنفرانس شرکت کند، هنوز تعیین نشده است.

مقام‌های امنیتی افغانستان گفته اند که نیروهای داخلی به حمایت ناتو نیاز دارند و افغانستان هنوز نمی‌تواند معاش و سایر نیازمندی‌های مربوط به نیروهای امنیتی را از عایدات خود بپردازد.

ادامه حضور و حمایت جامعه جهانی به امضای موافقتنامه امنیتی بین افغانستان و امریکا نیز وابسته است. ناتو نیز گفته است در صورتی که موافقتنامه جدیدی بین افغانستان و ناتو امضا نشود، هیچ چوکات قانونی وجود ندارد که ادامه حضور نیروهایش در افغانستان را مشروعیت بخشد.

رییس جمهور کززی از امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا امتناع ورزیده و شرط‌هایی را مطرح کرده است که هنوز هم برسر آن‌ها پا فشاری می‌کند.

دو نامزد ریاست جمهوری وعده کرده اند که در صورت پیروزی، موافقتنامه امنیتی با امریکا را امضا می‌کنند. وزارت خارجه افغانستان می‌گوید در رابطه به ادامه حضور نیروهای ناتو نیز در کنفرانس ولز مذاکره می‌شود.

در همین حال، دولت افغانستان فیصله کرده است که بسم الله محمدی، وزیر دفاع به نمایندگی از افغانستان در نشست ولز شرکت کند. در حالی که انتظار جامعه جهانی این بود که رییس جمهور جدید در این کنفرانس شرکت کند.

بحران انتخابات زنده‌گی مردم...

یکی از شهروندان گفت: من نگران به هم ریختن اوضاع هستم و نمی‌توانم بخوابم. مردم از من قرض گرفته‌اند و بیم آن دارم که اوضاع اقتصادی متشنج شود. من به بهبود اوضاع تردید دارم و می‌ترسم اوضاع از این که هست بدتر شود.

مسافر قوقندی سخنگوی وزارت تجارت افغانستان گفت: بدون شک تاخیر در اعلام نتایج انتخابات افغانستان همه امور را تحت الشعاع قرار داده است. میزان صادرات و واردات کاهش یافته است و آمار و ارقامی که ما دریافت می‌کنیم بسیار نگران کننده است. در ادامه گزارش آمده است: اوضاع امنیتی هم وضع بهتری از اوضاع زنده‌گی مردم ندارد. میزان جرم و جنایت در افغانستان افزایش یافته است و میزان خشونت نیز در برخی از ولایات این کشور رو به افزایش گذاشته است. با این حال اختلافات سیاسی بدون توجه به نیازهای شهروندان در حال افزایش است.

یکی از شهروندان گفت: نامزدها بر سر قدرت نزاع می‌کنند. آیا از مشکلات مردم اطلاع دارند و آیا می‌توانند به خیابان بیایند و اوضاع زنده‌گی مردم را ببینند؟ آنها در فکر رسیدن به قدرت هستند و اوضاع مردم برای آنها اهمیتی ندارد.

خبرنگار الجزیره ادامه داد: به دنبال مجادلاتی که باعث تشدید بحران‌های سیاسی شده است، بیشتر مردم افغانستان اعتماد خود را به درایت بخش اعظم سیاستمداران از دست داده اند. پیامدهای تجربه دموکراتیک و سیاست افغانستان پس از برگزاری اولین انتخاباتی که با نظارت افغان‌ها همچنان اوضاع کشور را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. نتایج این انتخابات هنوز اعلام نشده است و مردم بیم آن دارند که اوضاع از این که هست بدتر شود و کشور به سمت بحران‌های جدیدتری کشیده شود و بر مشکلات زیادی که این کشور به دوش می‌کشد، بیفزاید.

و بی شمار تقلب‌های مشهود، شامل موجودیت صندوق‌هایی که تعداد برگه‌های آن به مراتب کمتر از ارقام ثبت شده در فورم نتایج (ریزلت شیت) و دیتابیس است، صندوق‌های پر شده به نفع یک نامزد، از محلاتی که ساحات خیالی پنداشته می‌شوند، صندوق‌های پر به نفع نامزد مشخص از محلاتی که قبلاً عدم تأمین امنیت آن از سوی نهادهای امنیتی، اعلام شده بود، بدست آمدن هزاران فورم نتایج (ریزلت شیت) که توسط یک نفر و با یک قلم به نفع یک نامزد، ثبت و خانه پری شده است، موجودیت برگه‌های رأی دهی با نشانی شد (تک مارک)‌های مشابه به نفع یک نامزد، موجودیت صندوق‌های پر شده به نفع یک نامزد که لیست رأی دهنده‌گان آن قطعاً وجود ندارد، موجودیت جدول‌های خیالی به نفع یک نامزد که ارقام آن در دیتابیس وجود ندارد و موارد مشابه دیگر، ثابت شده است، ناظران بین‌المللی از کنار آنها با چشمان باز عبور می‌کنند و پاسخ‌شان، سکوت است و بس.

براساس اعلامیه والی بلخ، کمیسیون انتخابات به عنوان متهم به تقلب کاری در انتخابات، عامل تفتیش آراء گماشته شد که این امر مبین آن است که دزد را داور بر گزینیم. در چنین حالت کدام متهم حاضر می‌شود که در اثبات جرم خود کمک کند؟ بی‌تردید که اعتماد به این کمیسیون، بار بار حتی در موجودیت نهادهای بین‌المللی، خدشه‌دار و از بین رفته است.

استاد عطا در این اعلامیه گفته است: حالا با توجه به آنچه تذکر رفت و در کنار این‌که ما خود را ملزم به دفاع از آرای پاک مردم افغانستان می‌دانیم، چه آرای پاکی که به نفع جلالتماب دکتر عبدالله بکار رفته و یا به نفع تیم رقیب او، برای پاسداری و تحقق این حق مشروع در سایه دموکراسی، حقوق و وجایب مدنی و با توجه به منافع علیای کشور، با حمایت از مواضع حق طلبانه تیم اصلاحات و هم‌گرایی، به اقداماتی متوصل می‌شویم که بتوانیم حقوق مردم سربلند افغانستان را حصول نماییم.

در پایان والی بلخ از مردم خواسته آماده حرکت سبز و نارنجی شوند. او گفته است: در اینجا از عموم مردم افغانستان، از همه آنانی که به پایدارشدن دموکراسی، تأمین عدالت و توسعه مردم سالاری باور دارند، از شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی کشور، از اشخاص با نفوذ و معزز، از علمای گرامی و ارجمند، از خواهران گرامی، از جوانان پرشور، از اعضای جنبش ضد تقلب و سر انجام از همه آنانی که با ما هم باور و هم راه هستند، می‌خواهیم که از همین حالا تمامی تدابیر و اقدامات مقتضی را برای راه اندازی حرکت‌های سبز و نارنجی که قبلاً نیز از عملی‌شدن آگاهی داده بودیم، روی دست گیرند.

استاد عطا گفته است: لازم به ذکر است که هرگونه عواقب این حرکت‌ها باوجود آگاهی‌های قبلی و با توجه به دست‌کم گرفتن آن از سوی مراجع ملی و بین‌المللی به دوش آنانی خواهد بود که روند انتخابات را با تقلب‌های سازمان یافته به تمسخر گرفتند و یا هم برای مشروعیت بخشیدن تقلب، تلاش ورزیدند.

میلیون دالر داده شود و هیچ راهی هم برای نظارت بر نحوه مصرف آن نباشد که این مبلغ هزینه پرداخت حقوق و مصارف سربازان افغان خواهد شد. سوم که فراتر از ماموریت همکاری قاطع و آموزشی ناتو است، مسئله همکاری درازمدت افغانستان و ناتو است که این همکاری شامل مشوره سیاسی با دولت افغانستان است.»

با این حال، آقای یوخیمس ابراز اطمینان کرد که هر کدام از دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ حمل که برنده انتخابات اعلام شود، توافقنامه امنیتی با امریکا را به محض رسیدن به قدرت امضا خواهد کرد. او همچنین معتقد است که گفتگوهای هر دو نامزد بر سر تشکیل حکومت وحدت ملی منجر به توافق خواهد شد.

نماینده غیرنظامی ناتو در پاسخ به این پرسش که اگر

تنش میان سیاستمداران افغانستان به درازا بکشد و توافقنامه امنیتی افغانستان و امریکا هم به امضا نرسد، آیا تجربه عراق در افغانستان تکرار خواهد شد، گفت که نگران وضعیت افغانستان نیست.

او افزود: «نوع اختلاف فرقه‌ی یا مذهبی که ما در عراق می‌بینیم، من مطمئنم که در افغانستان اتفاق نمی‌افتد، اما با وجود آن هم ما و هم مردم افغانستان داریم بی‌حوصله می‌شویم. امیدواریم که هر دو کاندیدا زودتر به توافق برسند که خیلی از مشکلات را حل خواهد کرد.»

پیش از این بسیاری از اعضای ناتو و همچنین مقام‌های ناتو گفته‌اند که چگونگی حضور نیروهای نظامی آنها در افغانستان به امضای توافقنامه امنیتی بین افغانستان و امریکا بستگی دارد.

بی‌حوصله شده...

نماینده غیرنظامی ناتو تأکید کرد: «اگر قرارداد وضعیت نیروها امضا نشود، که من امیدوارم و فکر می‌کنم می‌شود، بستری برای ماموریت آموزشی وجود نخواهد داشت. چون دیگر سربازان ناتو نمی‌توانند در خاک افغانستان فعالیت کنند. اگر موافقتنامه‌ای برای حفاظت از آنان وجود نداشته باشد.

روز یک شنبه دولت افغانستان اعلام کرد که حامد کززی رییس جمهوری افغانستان تصمیم ندارد به جلسه ولز برود و در عوض، بسم‌الله محمدی وزیر دفاع از این کشور نماینده‌گی خواهد کرد.

موریس یوخیمس گزینش آقای محمدی برای حضور در اجلاس سران ناتو در ولز را «راه حل میانه و قابل قبول» توصیف کرد ولی افزود که ناتو انتظار داشت که

هشدار از فروری منار جام



بی‌بسی

منار تاریخی جام با بیش از هشتصد سال قدمت هنوز پیر نشده، سیلاب‌ها اما این بنا را به مرگ زودرس تهدید می‌کنند. مقام‌های محلی در ولایت غور گفته اند اگر چاره ای اساسی سنجیده نشود، ممکن است سال آینده آنها نتوانند این اثر باستانی را سر پا نگهدارند.

برای سفر به روستای جام، باید در مسیری که از مرکز غور به سمت غرب امتداد یافته حرکت کرد. این همان شاهراهی است که به دهلیز شرق و غرب افغانستان معروف است و ولایات هرات، غور، بامیان، دایکندی و کابل را به هم وصل می‌کند. راهی که به منار جام منتهی می‌شود از دره های عمیق و کوه‌های بلند عبور می‌کند. این راه نسبتاً امن اما به شدت ناهموار و صعب‌العبور است. برای طی کردن حدود هفتاد کیلومتر بیش از ۴ ساعت طول می‌کشد.

منار جام با ۶۴ متر ارتفاع، و ۸۰۰ سال قدمت، کهن‌ترین منار آجری جهان و شاهکاری از دوره دودمان غوریان است که در سده های دهم و یازدهم میلادی از آسیای میانه تا هند را تحت کنترل خود درآورده بودند.

قطب منار در دهلی پایتخت کنونی هند نیز به دستور یکی از

پادشاهان غوری به نام معزالدین و توسط قطب‌الدین ایبک سپهسالار او در ۱۱۹۹ میلادی گذاشته شد.

منار جام پیشتر از آن در زمان پادشاهی سلطان غیاث‌الدین (۵۵۸-۵۹۹ هجری) یکی از بزرگترین پادشاهان سلسله غوری ساخته شده بود که در ساخت قطب منار از آن به عنوان الگو استفاده شد.

بخشی از کاشی های این منار فرو ریخته و اطراف آن نشانه‌های از کندنکاری های غیرقانونی دیده می‌شود.

منار جام را در عکسهای قدیمی اش، راست قامت دیده می‌شد، حالا اما اندکی به طرف هریود کج شده است.

هریود در فاصله ۵ متری تهداب منار جاری است. دیوار های محافظتی این منار در زمستان گذشته تخریب شد و امسال به هزینه چهارصد هزار افغانی از بودجه اضطراری اداره محلی غور، دیوار کوچکی اطراف منار ساخته شد.

خطر احتمالی سیلاب های آینده، اما به مراتب از توان این دیوار ها بیشتر و جدی تر است.

فخرالدین آریاپور رییس اطلاعات و فرهنگ غور می‌گوید: «حدود بیست تا سی درصد از تزئینات منار کاملاً افتاده و بقیه هم در حال افتادن است. علاوه بر این، سیلابی که می‌آید احتمال فروریختن منار را تقویت می‌کند. در سال جاری اگر آب دیوار حفاظتی ساخته نشود، تصور می‌کنم ما نخواهیم توانست که در سال آینده منار را سرپا نگهداریم»

شاهراهی که با فاصله کمی از کنار این منار عبور می‌کند هنوز اسفالت نشده و وضعیت امنیتی هم در غور چندان خوب نیست. به همین دلیل این اثر تاریخی و مناظر زیبای اطراف آن تماشاچیان اندکی دارد.

این منار در سال ۲۰۰۲ میلادی از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یونسکو، در فهرست میراث های فرهنگی جهان ثبت شد. اما به گفته مقام های محلی یونسکو، کار چندان برای مرمت این بنا انجام نداده است.

دیوارهای محافظتی این منار در زمستان گذشته تخریب شد و امسال به هزینه چهارصد هزار افغانی از بودجه اضطراری اداره محلی غور، دیوار کوچکی اطراف منار ساخته شد

مسوولان ریاست اطلاعات و فرهنگ غور می‌گویند در یک سال اخیر شمار جهانگردانی که به دیدن این اثر رفته اند از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کند.

ضیاءالدین احمدی از کارشناسان بخش حفظ بناهای باستانی غور می‌گوید: «از رییس جمهوری جدید تقاضا می‌کنم که در اول کارش، به این جا بیاید و این منار را از نزدیک ببیند. این منار در معرض خطر است. این منار نه تنها اثر با ارزشی برای کشور بلکه میراث با ارزش جهانی است.»

افزون بر منارجام، در سراسر غور ۲۵۷ ساحه و بنای باستانی ثبت شده است. اگر به مهمترین این بناها یعنی منار جام توجهی صورت گرفت، می‌توان در مورد آینده دیگر بناها نیز امیدوار بود.

وزیر اطلاع‌رسانی پاکستان:

عمران خان و القادری تروریست هستند!

وزیر اطلاع‌رسانی دولت پاکستان در مصاحبه تلفنی با شبکه خبری «اکسپرس نیوز» این کشور، عمران خان و طاهر القادری رهبران دو حزب عمده مخالف دولت را به «تروریست ها» تشبیه کرد.

پرویز رشید روز دوشنبه گفت: تروریست های منطقه وزیرستان شمالی بدنبال آن هستند که کنترل کشور و دولت را با استفاده از زور در اختیار بگیرند و این دو رهبر مخالف دولت هم همین روش را برای بدست گرفتن کنترل دولت در پیش گرفته اند.

وزیر اطلاع‌رسانی پاکستان درباره حمله ظهر روز گذشته معترضان به ساختمان اصلی تلویزیون دولتی پاکستان گفت: این حمله از سوی هواداران عمران خان و طاهر القادری و بنا به دستور آنها صورت گرفته است. عمران خان و القادری باید مسوول کنترل هوادارانشان باشند.

این مقام رسمی دولت پاکستان گفت: اقداماتی که عمران خان و طاهر القادری انجام می دهند، موجب خدشه دار شدن چهره پاکستان در جهان و وارد شدن خسارات فراوان به اقتصاد این کشور شده است.

پیشتر رهبران دو حزب عمده مخالف دولت پاکستان نیز حمله به ساختمان تلویزیون دولتی را تکذیب و اعلام کردند کسانی که اقدام به این کار نموده اند، از هواداران حزب تحریک انصاف و جنبش مردمی نبوده اند.

تلویزیون دولتی پاکستان حدود ظهر روز گذشته به وقت محلی تقریباً به مدت یک ساعت به تصرف صدها مهاجم درآمد. این وضعیت ساعتی بعد و با مداخله نیروهای ارتش خاتمه یافت.

د پوڅ بیا واک ته راگرځېدل...

یا کمزوری کېږي، نو په افغانستان کې د مداخلې لپاره پوځیانو ته ډېر صلاحیتونه په واک کې ورکول کېږي، چې دا کار د افغانستان او هند لپاره خطرناک دی.

له بلې خوا د سیاسي چارو شنونکی استاد محمداسحاق اتمر وایي، پاکستان په دې کرکېچونو سره غواړي ځان د افغانستان له تغیراتو سره عیار کړي.

هغه وایي، د دې کرکېچ تر شاه د پوځیانو لاس دی او د پوڅ په دې کار کې د مشرف محاکمه کېدل او نظر بند کېدل هم بنایي یو علت وي، هغه د پوڅ پخوانی مشر و او پوڅ غواړي له دې ډول حکومتونو نه ځان لرې وساتي.

نوموړی وایي، له اسلام اباد نه لاهور ته د نوازشریف تگ د دې ښودنه کوي، چې هغه وېره لري چې پوځیان به بل عمل ته لاس پورې کړي، چې هغه د واکو په لاس کې اخیستل دي.

ښاغلی اتمر زیاتوي، پاکستانیان دې ته په تمه دي، چې په افغانستان کې څه تېرېږي: ((افغانستان د پاکستان پالیسي او ستراتیژي جوړوي. پوڅ د دې لپاره چې پر افغانستان کنترول ولري ډېره پانگونه کړې ده. وسله والو ملاتړ یې کړی، هغوی ته یې نقشي، وسلې او مهمات په لاس ورکړي، افغانستان ته یې را استولي او له هرې خوا یې ترېنه ملاتړ کړی دی.))

د کابل پوهنتون دغه استاد وایي، د پاکستان پوڅ دې ته په تمه دی، چې امریکا او ناتو له افغانستان څخه وځي یا نه او که وځي نو پر ځای یې څوک افغانستان ته راځي.

هغه زیاتوي، پوڅ وېره لري، چې د نړیوالو ځواکونو په وتلو سره به په افغانستان کې هندي سرتېري راشي او یا به هند له افغانستان سره په پوځي برخه کې مرسته وکړي؛ نو د دې لپاره چې په افغانستان کې د لاسوهني پراخ لاس ولري؛ نو غواړي ملکي حکومت له مخې لرې او یا هم کمزوری کړي، څو دوی خپله پالیسي عملي کړي.

نوموړي وویل، د افغانستان بدلونونه په پاکستان کې تغیرات راوستلی شي؛ خو پوڅ غواړي په افغانستان کې د هند د نفوذ مخه ونیسي.

په دې وروستیو کې په پاکستان کې سیاسي کرکېچونه ډېر شوي دي. د عمران خان او طاهر القادري په مشرۍ زرگونه کسانو د نوازشریف د گوښه کېدو او پارلمان د منحلېدو غوښتنه کړې ده. هغوی وایي، چې نوازشریف په ټاکنو کې پراخې درغلۍ کړې دي. په همدې حال کې راپورونه وایي، چې د پاکستان پوڅ له نوازشریف نه غوښتي چې واک پرېږدي. پوڅ په پاکستان کې د واک اصلي سرچینه گڼل کېږي، چې د دغه هېواد بهرنی تگلاره جوړوي.

سیاسي کارپوهان وایي، د پاکستان ملکي حکومت په افغانستان او سیمه کې د ثبات غوښتونکی دی؛ خو واک نه لري او د پاکستان پوڅ او استخبارات چې په پاکستان کې اصلي واک لرونکي دي، په افغانستان او سیمه کې ثبات نه غواړي او له وسله والو ډلو ملاتړ کوي.

د پاکستان استخبارات په افغانستان کې د زرگونه پېښو او بریدونو مسوول گڼل شوي دي، چې نړیوالو چارواکیو هم پرې اعتراف کړی دی، دغه ډله له حقاني شبکې نه د خپلې عملیاتې څانگې په توگه کار اخلي.



د ازادو رسنیو کنسرسیوم / کنسرسیوم رسانه های آزاد
independent media consortium

جوانان

انتخابات

فساد

فقر

توسعه

معلولین

زنان

حقوق بشر

همبستگی

جامعه مدنی

تمرکز روی

موضوعات مهم روز



اعضای کنسرسیوم رسانه‌های آزاد:

حمایت کننده:



توانمندی
تقویم جامعه مدنی در افغانستان

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
 برگ آرابی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1368 Tuesday 2 September 2014

DAILY

Mandegar

قیمت گاز مایع کاهش می‌یابد



اتحادیه سرتاسری نفت و گاز افغانستان می‌گوید که برای پایین آوردن بهای گاز در کابل و دیگر ولایت‌های کشور تاجران توافق کرده اند که میزان سود فروش گاز را به حداقل برسانند.

آذرخش حافظی، مسوول اتحادیه سرتاسری نفت و گاز افغانستان گفت که با مقام‌های دولتی، اتاق تجارت، اتحادیه‌ها تاجران و دیگر منابع مرتبط تا ساعت ۲ بامداد گفت‌وگو کرده اند و روی قیمتی برای خرید و فروش گاز به توافق رسیده‌اند.

آقای حافظی در کابل به خبرنگاران گفت که توافق شد که در ولایت‌های نزدیک به بنادر هر کیلو گاز ۴۸ افغانی به طور عمده فروخته شود و فروشنده‌ها بزرگتر، گاز را به قیمت ۵۴ افغانی در اختیار فروشنده‌های کوچک قرار دهند. هر دالر آمریکایی در بازارهای کابل معادل ۵۶.۵۵ افغانی فروش می‌شود.

در خرید و فروش گاز در افغانستان، فاصله مراکز فروش از بنادر و ولایت‌های مرزی، ضایعات و مصارف حمل و نقل در نظر گرفته می‌شود و با توجه به این موارد قیمت گاز در نقاط مختلف کشور فرق می‌کند.

او گفت که از امروز در ولایت‌های نزدیک به بنادر قیمت گاز برای مردم ۵۴ افغانی است و در کابل و ولایت‌های اطراف آن قیمت فروش گاز ۶۰ افغانی تعیین شده است.

«حالت بحرانی و وضعیت رو به رکود اقتصاد»

آذرخش حافظی افزود: «وضعیت عمومی اقتصاد افغانستان به دلایل مختلف که از بحث ما خارج است، در حالت رکود قرار دارد و با استفاده از موقعیت فعلی بعضی از افراد سودجو قیمت گاز و مواد نفتی و بعضی مواد خوراکی را بالا بردند.»

افغانستان در شش ماه گذشته دچار بی‌سرنوشتی سیاسی شده و نتیجه انتخاباتی که از عقرب ماه سال گذشته آغاز شده هنوز نا معلوم است و این مشکل آن طوری که ناظران می‌گویند روی ابعاد مختلف زندگی مردم تأثیرات منفی داشته است.

خان جان الکوزی، رییس اتاق تجارت و صنایع افغانستان هم گفت که از دلایل افزایش بهای گاز بلند بودن تقاضا نسبت به عرضه و واردات سوخت است. او گفت که کل گازی که افغانستان وارد می‌کند حتی ۲۰ درصد از مصارف مردم را هم تکمیل نمی‌کند.

کمیته منع اختطاف و قاچاق انسان در ولایت غور آغاز به کار کرد



کمیته ملی مبارزه با قاچاق و اختطاف کودکان و زنان در ولایت غور آغاز به کار کرد.

مقامات محلی می‌گویند که این کمیته متشکل از ۱۶ عضو از اداره‌های دولتی ولایت غور می‌باشد که بعد از این قصد دارند تا در برابر قاچاق انسان و آدمربایی‌ها مبارزه کنند.

به گزارش جمهور، عبدالحی خطیبی، سخنگوی والی غور می‌گوید: همه ساله حداقل ۱۰ هزار نفر از مردم ولسوالی‌های غربی این ولایت به کشورهای بیرونی، مهاجرت غیر قانونی می‌کنند. به گفته او، در میان این افراد، تعداد زیادی از زنان و کودکان هم حضور دارند که بیشتر به دلیل مشکلات اقتصادی تن به سفرهای غیر قانونی می‌دهند.

آقای خطیبی تأکید می‌کند که وظیفه اصلی این کمیته برچینی واقعات آدمربایی و مسافرت‌های غیر قانونی است که توسط مسوولان چندین

ارگان نظامی و اداری صورت می‌گیرد. وی افزود که این کمیته پس از فرمان صریح ریاست جمهوری، آغاز به کار کرده است. گفتنی است که در این اواخر، در برخی از نقاط ولایت غور که بیشتر تحرکات افراد مسلح غیر مسوول و طالبان جریان دارد؛ اختطاف و قاچاق انسان به خارج از مرزهای کشور صورت می‌گیرد.

یک موسسه تحصیلی در هرات به دلیل

کلاهبرداری بسته شد

معرفی کرده اند.

او تأکید کرد که این موسسه دارای هیچ‌گونه جوازی از وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی افغانستان نبوده است.

به گفته وی، حداقل ۱۰۰ تن از دانشجویان موسسه ی تعلیمی «سیمما» از اداره ی آنجا شکایت رسمی داشته اند که به موقع عوامل آن شناسایی شد.

او بیان کرد که در این موسسه تعلیمی، بیش از ۳۰۰ دانشجو در رشته های کامپیوتر ساینس، حقوق و اقتصاد درس می‌خواندند.

آقای عنبری افزود که در حال حاضر، یکی دیگر از مسوولان این موسسه از ولایت هرات متواری است؛ اما نیروهای امنیت ملی در تعقیب وی هستند.

در این رابطه خواستیم تا نظر یکی از مسوولان و یا اعضای این موسسه تعلیمی را با خود داشته باشیم؛ اما با وجود تلاش فراوان، هیچ یک حاضر به صحبت نشدند.

در این اواخر ولایت هرات شاهد رشد روز افزون مراکز تحصیلی و تعلیمی عالی و نیمه عالی خصوصی است.

یکی از عمده ترین نگرانی های دانشجویان این مراکز، مبهم بودن نتیجه ی فراگیری دروس دو ساله و یا چهارساله ی شان است.



موسسه تعلیمی و یا انیستیتوت علوم سیمما، به دلیل کلاه برداری بزرگ از جوانان ولایت هرات از سوی اداره عالی مبارزه با فساداداری تعطیل شد.

مسوولان ریاست مبارزه با فساداداری غرب افغانستان گفته اند که مسوولان این موسسه به طور غیرقانونی به دانشجویان خود وعده داده بودند تا پس از فراغت از دوره‌های دو ساله، لیسانس تحصیلات عالی کشورهای هند و امریکا را به آنان بدهند.

محمدطاهر عنبری، رییس اداره عالی مبارزه با فساداداری غرب کشور در گفت‌وگویی اختصاصی با خبرگزاری جمهور بیان کرد: در حال حاضر یکی از مسوولان این موسسه غیرقانونی را دستگیر و به دادستانی هرات

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
 شش ماهه - ۲۰۰ دالر
 نه ماهه - ۳۰۰ دالر
 یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
 یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - +۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵